**نام مجلّه : پژوهشهای قرآنی [شماره 33](file:///D%3A%5C%5CArticles%5C%5Ctype%2Cp-13.htm)**

**[ویژة قرآن و ادیان و فرهنگها (3 ) ، بهار 1382](file:///D%3A%5C%5CArticles%5C%5Ctype%2Cp-13.htm)**

**گفت و گو با آیت الله دکتر صادقی­تهرانی**

**پیش درآمد**

**آیت الله دکتر محمّـد صـادقی­تهرانی ، از مفسّـران و فقیهـان ارجمنـد معاصـر است که تفسیر گرانسنگ « الفـرقـان » ایشان ، یکی از چند تفسیر ممتاز و در خور توجّه سدة اخیر در جهان اسلام به شمار می­آید . آثار و تألیفات گوناگون استاد بالغ بر دهها اثر بوده که به دلیل تخصّص ویژة ایشان در قرآن­شناسی بسیاری از این آثار در ارتباط با زمینه­های گوناگون قرآنی می­باشد ؛ چنان که دیگر آثار ایشان در زمینه­های فقهی و کلامی و فلسفی و جز آن نیز دارای لون و صبغة قرآنی است ؛ چنانکه کتاب « تبصرة الفقهاء » ایشان را می­توان یک دوره بازنگری تطبیقی کامل ابواب فقهی بر محور قرآن به شمار آورد .**

**استاد صادقی به جدّ روش تفسیر قرآن به قرآن را باور داشته و با تکیه و اعتماد اصلی بر قرآن ، منابع دیگر دینی را با نگاه نقّادانه نگریسته و به همین دلیل در برخی موارد دیدگاههای ویژه­ای از سوی ایشان ارائه شده است . ایشان در کنار تفسیر ، از دهها سال پیش در زمینة مطالعات تطبیقی ادیان نیز تلاشهای علمی گسترده­ای داشته و افزون بر مطالعات و تألیفات متعدّد در این زمینه با حضور و اقامت چند ساله در کشورهای عربی ـ اسلامی گفت و گوهای بسیاری با عالمان دیگر ادیان نیز داشته است .**

**آثار ایشان در زمینة مطالعات تطبیقی ادیان ، شامل کتابهای : عقائدنا ، المقارنات ، رسـول­الاسلام فی الکتب­السّماویة ، بشارات عهدین ، مسیح از نظر قرآن و انجیل و ... می­باشد ؛ افزون بر مطالب ارزشمندی که در این زمینه در تفسیر « الفرقان » ذیل آیات مربوطه دیده می­شود . مجموعه آثار یاد شده که هر یک به بعدی از ابعاد مختلف ادیان ابراهیمی و آموزه­های آن پرداخته ، نشان از مطالعات جامع و آگاهی ژرف و گسترده نویسنده در این زمینه دارد .**

**فصلنامه پژوهشهای قرآنی که در گذشته نیز از محضر ایشان بهره جسته و در مقالاتی نیز به بررسی و نقد و سبک شناسی تفسیر « الفرقان » پرداخته است1 اینک پرسشهایی در مقوله ادیان و روابط متقابل آنها با یکدیگر از نگاه قرآن با استاد در میان نهاده است . آنچه می­نگرید پاسخهای ایشان است که هر چند گزیده و کوتاه ، امّا راهگشا و رهنمون ارائه شده است . با سپاس فراوان از محضر ایشان ، پرسشهای ما و پاسخهای ایشان را بی­هیچ­گونه ویرایشی می­خوانید :**

**٭ فلسفه تعدّد ادیان و شرایع و تجدید نُبُوّتها از دیدگاه قرآن چیست ؟ آیا تفاوت استعداد بشر یا تغییر مصالح و مفـاسد ، در زندگی و یا تفاوت درجـات تجربه­های دینی انبیا که عرفـا از آن به کشف تعبیر می­کنند ، نقش داشته است ؟**

**استاد صادقی : اصولاً دین خدا واحد و شرایع آن متعدّد است ؛ چنانکه در آیاتی مانند « شَرَعَ لَكُمْ مِنَ الدِّينِ مَا وَصَّى بِهِ نُوحًا وَ الَّذِي أَوْحَيْنَا إِلَيْكَ وَ مَا وَصَّيْنَا بِهِ إِبْرَاهِيمَ وَ مُوسَى وَ عِيسَى أَنْ أَقِيمُوا الدِّينَ وَ لا تَتَفَرَّقُوا فِيهِ ... . » ، ( شوری ، 42 / ١٣ ) دین همان طاعت از خـداست ، لکن پنج شریعت که نشـأت گرفته از دین می­باشند گرچه در اصول مبانی عقیدتی و اخلاقی یکسانند ، ولی در چهره و زمان حاکمیّت دین ویژه ، فرقهایی با هم دارند . و این تفاوتها از نظر زمینه فکری و کشش عقلانی نبوده است ، بلکه این خود آزمایشی نسبت به مکلّفان بوده ، چنان که آیاتی مانند « ... لِكُلٍّ جَعَلْنَا مِنْكُمْ شِرْعَةً وَ مِنْهَاجًا وَ لَوْ شَاءَ اللَّهُ لَجَعَلَكُمْ أُمَّةً وَاحِدَةً وَ لَكِنْ لِيَبْلُوَكُمْ فِي مَا آتَاكُمْ فَاسْتَبِقُوا الْخَيْرَاتِ ... . » ، ( مائده ، 5 / ٤٨ ) نصّی بر این حقیقت است که : اختلاف این پنج شریعت بر مبنای آزمون مکلّفان بوده ، و چنان که در هر یک از این شرایع ربّانی تناسخهایی درونی وجود داشته ، نسبت به یکدیگر نیز تناسخهایی داشته­اند ، تا شریعت قرآن که آخرین و پربارترین شرایع مقدّسة الهیّه تا پایان زمان تکلیف است ، و قرآن که رهبری کلّ جهانیان را تا پایان جهان به عهده دارد بیانگر کلّ نیازهـای مکلّفـان در طول و عرض جهـان باشد .**

**نخستین شریعت ربّانی که در صحف نوح منعکس است با شریعت ابراهیم تفاوتی چندان ندارد و کم­تر از آن ، تفاوت بسیار کمرنگ شریعت انجیل با تورات است . و در میان این شرایع پنجگانه تنها تورات و قرآن است که بسیار مفصّل­تر از شرایع دیگر می­باشد . و اصولاً تناسخهای درونی و برونی شرایع ، چنان که بر مبنای آزمون مکلّفان است ، دارای سیاست گام به گام تربیتی و تکاملی می­باشد که در مرحله پایانی وحی قرآنی وقفه صد درصد و بدون استثنا تا پایان زمان تکلیف داشته است .**

**مثلاً در موارد معدودی از تناسخهای قرآنی مانند حرمت ازدواج مردان مسلمان با زنان کافر در آغاز هجرت به مدینه ، می­بینیم که در آخرین سوره مدنی ، مائده ، ازدواج زنان کتابی با مردان مسلمان حلال شده است . و یا ازدواج ناهمسان که در سورة نور کلّاً تحریم شده بود در سورة مائده همسان نابسامانش نیز حرام شده است که بر مبنای آیة نور ، مرد پاک با زنان ناپاک ، و زن پاک با مرد ناپاک نباید ازدواج کنند و تنها ازدواج ناپاکـان با یکدیگـر حـلال بوده است ، ولی در سـورة مـائده با لفـظ « مُحْصِنِينَ » و « الْمُحْصَنَاتُ » ، ( مائده ، 5 / 5 ) این ازدواج نابسامان هم حرام شده که خود مانعی است اکید و تکاملی برای حرمت زنا . و در سورة بقره هم ازدواج مردان مسلمان هر چه باشند با زنان مشرک تحریم گردیده با آنکه در سورة نور ، ازدواج مردان مسلمان زناکار با زنان مشرک تجویز شده بود .**

**و در جمع چنانکه اشاره شد تناسخ در شرایع ، چه درونی­اش و چه برونی­اش ، بر مبنای آزمون و تکامل و مانند اینهاست .**

**٭ تردیدی نیست که قرآن ، ادیان ابراهیمی را دارای منشأ و خاستگاه واحد معرفی می­کند و آموزه­های اصلی آنها را نیز یکی می­داند . آیا این همسویی می­تواند دلیل بر این باشد که این ادیان در عرض یکدیگر نجات­بخش هستند و در نتیجه هر کدام را بپذیریم در آخرت به فلاح و رستگاری می­رسیم ؟**

**استاد صادقی : این شرایع بر مبنای تناسخ برونی در عرض هم نیستند ، بلکه در هر زمانی یکی از شرایع پنجگانه حاکم است . آری اگر از روی قصور و یا تقصیر ، کسانی بر شرایع گذشته باقی بمانند ، اهل نجاتند ، و آیاتی مانند « إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَ الَّذِينَ هَادُوا وَ النَّصَارَى وَ الصَّابِئِينَ مَنْ آمَنَ بِاللَّهِ وَ الْيَوْمِ الآخِرِ وَ عَمِلَ صَالِحًا فَلَهُمْ أَجْرُهُمْ عِنْدَ رَبِّهِمْ وَ لا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَ لا هُمْ يَحْزَنُونَ . » ، ( بقره ، 2 / ٦٢ ) و نیز آیاتی همانندش ، محور اصلی را ایمان بالله و الیوم الآخر دانسته ، که اگر تقصیری هم خالی از عناد نسبت به عدم پذیرش شریعت پس از خود داشته­اند ، چون خالی از عناد بوده و بر مبنای عادت بر شریعت خود باقی مانده­اند ، اگر طبق آن شریعت عمل می­کرده­اند ، بالأخره اهل نجاتند .**

**٭ در صورتی که بعد از نُبُوّت پیامبراکرم (ص) ، تنها اسلام را دین نجات­بخش بدانیم و پیروان ادیان دیگر را که عذری در نپذیرفتن اسلام ندارند مستحقّ عذاب و کیفر اخروی بدانیم ، آیات 62 سورة بقره و 69 سورة مائده را که ظهور در نجات پیروان ادیان با فرض ایمان به خدا و آخرت و عمل صالح دارند ، چگونه توجیه کنیم2 ؟**

**استاد صادقی : پاسخ این سؤال مفصّلاً داده شد و آیاتی مانند آنچه اشاره کردیم نیز بر این حقیقت گواه است که تنها ایمان بالله و الیوم الآخر و عمل شایسته ایمان است که در کلّ نجات­بخش می­باشد ، ولی در صورت روشن بودن حقّانیّت وحیانی شریعت بعدی ، به ویژه شریعت اسلام ، باقی ماندن بر شریعت قبلی از روی عناد خود کفر و بی­ایمانی است که هرگز پذیرفته نیست ؛ زیرا همان خدایی که شریعت گذشته را واجب کرده همو آن را نسخ نموده .**

**آری ما منکر تفاوت بین اینان و مشرکان نیستیم که اینان ، گر چه بر خلاف حکم خدا شریعت بعدی را نپذیرفته­اند ، ولی بالأخره به شریعتی ربّانی پایبند بوده­اند که طبعاً عذابشان کم­تر از مشرکان است ؛ گرچه شایسته بهشت نیستند .**

**٭ متون دینی ادیان ابراهیمی در کدام یک از زمینه­های چهارگانه معارف ، اخلاق ، تشریع و تـاریخ ، بیشترین همسویی ، و در کدام زمینه­هـا کم­ترین همسویی را دارند ؟**

**استاد صادقی : همسویی اندک شرایع ابراهیمی در بُعد تاریخ ، و بیشترش در ابعاد دیگر است . و چون تورات و انجیل ، تحریف شده­اند ، همسویی شریعت ابراهیم و شریعت اسلام با آن دو کم­تر به چشم می خورد ؛ زیرا این دو هرگز مورد تحریف واقع نشده­اند . و بر همین مبنا هم صاحبان کلّ شرایع پس از شریعت ابراهیم ، مأمور شده­اند که روش عقیدتی و اخلاقی و بخش مهمّی از شریعت احکامی ابراهیم را دنبال کنند .**

**٭ شما در کتاب « عقائدنا » 3 چون در صدد اثبات برتری قرآن بر عهدین بوده­اید کوشیده­اید از تعبیرات و عبارات عهدین نهایت استفاده را برای تضعیف آموزه­های آن دو در قبال آموزه­های قرآن بکنید ؛ در همین راستا کنایه ، استعاره و مجاز را در تعبیرات عهدین نادیده گرفته­اید . آیا می توان با حمل تعبیرات موجود در عهدین ، بر کنایه و مجاز ، چنان که در قرآن نیز صورت می­گیرد ، نوعی اشتراک و همسویی میان قرآن و عهدین را نتیجه گرفت ؟**

**استاد صادقی : تا آنجا که ممکن است کنایه­ها و مجازات روشن را توجیه کرده­ایم ، ولی نصّ و ظاهر بر خلاف حقیقت را نمی­توان توجیه کرد ؛ مانند تثلیث ، ابن الله ، صلیب ، تحمّل گناهان دیگران ، اعجاز شراب­سازی مسیح و مانند آن و غلطهای عهدین .**

**٭ آیا فهم متون ادیان ، از قـواعد مشترک پیروی می­کند ، یا فهم هر یک از متون ، قـواعد ویژة خود را دارد ؟**

**استاد صادقی : فهم متون ادیان ، بر مبنای لغات مفهوم خود ادیان است ؛ با توجّه به اصطلاح زمان نزول آنها که معنای همگانی و همه زمانی دارد ، و تحوّل لغت ، هرگز نه بر آن معانی چیزی باید بیفزاید و نه کم کند ؛ به ویژه متن قرآنی که از نظر معنی و لغت برای کلّ زمانها تا انقراض تکلیف ، حجّتی وحدانی است . و قرائتهای گوناگون بر اثر پیش فرضها و انتظارات و تصوّرات غیرمطلق خود ، تحمیلاتی است بر متن دینی قرآنی .**

**٭ عوامل ستیزه­جویی پیروان ادیان ابراهیمی چیست ، و قرآن در این زمینه بر چه انگیزه­ها و عواملی تکیه می­کند ؟**

**استاد صادقی : عوامل ستیزه­جویی آنان تحریفها و کم و زیادهایی است که در اثر قصور یا تقصیر یا عناد شرعمدارانی شرع­ندار تحقق یافته ، که به گمان شرعی بودن عقیده یا حکمی با حکم و عقیدة دیگری که در شرایع الهیّه است معارضه می­کنند . که دین بر ضد دین قیام کرده ؛ دین نخست ، بی­دینی است که با چهرة دینی ، با دین حقیقی ، بدتر از بی­دینان رسمی به معارضه با دین حقیقی ربّانی پرداخته­اند .**

**٭ آیا در درون آموزه­های ادیان مطالبی هست که موجب تفرقه و ستیزه­جویی شود ؟ و آیا می توان با تکیه بر آموزه­های مشترک از ستیزه­جویی جلوگیری کرد ؟**

**استاد صادقی : با آموزه­های مشترک وحیانی حقیقی ، بخش زیادی از ستیزه جوییها میان ادیان برطرف می­شود ؛ چنانکه آیاتی از قبیل : « قُلْ يَا أَهْلَ الْكِتَابِ تَعَالَوْا إِلَى كَلِمَةٍ سَوَاءٍ بَيْنَنَا وَ بَيْنَكُمْ أَلا نَعْبُدَ إِلا اللَّهَ ... . » ، ( آل­عمران ، ٦٤ ) که همگامی در این گونه عقیده­های همسان ، اختلافات متشرّعین به شرایع گوناگون را بسیار می­کاهد . تحریفات اصلی را که بر خلاف فطرت ، عقل و وحی حقیقی ربّانی است کنار بگذاریم ، می­ماند اختلافاتی بسیار کم و کمرنگ که میان متشرّعان به هر یک از شرایع در درون نیز موجود است ، و این موفّقیّت ، بر مبنای شورایی شایسته و بدون تعصّب از شرعمداران حقیقی قابل تحقّق است .**

**و آیاتی مانند « وَ اعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا ... . » ، ( آل­عمران ، 3 / ١٠٣ ) با پیوند دو جمع ، عصمت علمی وحیانی را تثبیت کرده ؛ نخست جمیع وحی حقیقی ربّانی ، سپس در بعد محوری شورای شایسته میان شرعمداران حقیقی .**

**پی­نوشتها**

**1. ر . ک : فصلنامه پژوهشهای قرآنی ، شماره 2 ، تابستان 1374 ، « روش تفسیری الفـرقان در اسباب نزول » ، سیّدحسین هاشمی ، صفحه 227 ـ 252 ؛ شماره 8 ـ 7 ، پاییز و زمستان 1375 ، « اصول و مبانی تفسیر الفرقان » ، محمدرضا امین ، صفحه 282 ـ 305 ؛ شماره 10 ـ 9 ، بهار و تابستان 1376 ، « گفت و گو با استاد دکتر محمّد صادقی » ، صفحه 284 ـ 305 ؛ شماره 11 ـ 12 ، پاییز و زمستان 1376، « نگاهی به گفت و گو دربارة المیزان » ، علی رضایی­تهرانی ، صفحه 259 ـ 264 .**

**2. در آیة 62 سورة بقره می­خوانیم :**

**« إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَ الَّذِينَ هَادُوا وَ النَّصَارَى وَ الصَّابِئِينَ مَنْ آمَنَ بِاللَّهِ وَ الْيَوْمِ الآخِرِ وَ عَمِلَ صَالِحًا فَلَهُمْ أَجْرُهُمْ عِنْدَ رَبِّهِمْ وَ لا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَ لا هُمْ يَحْزَنُونَ . » ، ( بقره ، 2 / ٦٢ )**

**در حقیقت ، کسانی که [ به اسلام ] ایمان آورده و کسانی که یهودی شده­اند و ترسایان و صابئان ، هرکس به خدا و روز بازپسین ایمان داشت و کار شایسته کرد ، پس اجـرشان را پیش پروردگارشان خواهند داشت ، و نه بیمی بر آنان است ، و نه اندوهناک خواهند شد .**

**آیة 69 سورة مائده نیز با اندک تفاوتی همین مضمون را ارائه می­دهد . در آیات 113 تا 115 آل­عمران نیز می­خوانیم :**

**« لَيْسُوا سَوَاءً مِنْ أَهْلِ الْكِتَابِ أُمَّةٌ قَائِمَةٌ يَتْلُونَ آيَاتِ اللَّهِ آنَاءَ اللَّيْلِ وَ هُمْ يَسْجُدُونَ . يُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَ الْيَوْمِ الآخِرِ وَ يَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَ يَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَ يُسَارِعُونَ فِي الْخَيْرَاتِ وَ أُولَئِكَ مِنَ الصَّالِحِينَ . وَ مَا يَفْعَلُوا مِنْ خَيْرٍ فَلَنْ يُكْفَرُوهُ وَ اللَّهُ عَلِيمٌ بِالْمُتَّقِينَ . » ، ( آل­عمران ، 3 / 113 ـ ١١٥ )**

**آنان یکسان نیستند ؛ از میان اهل کتاب ، گروهی درست کردارند که آیات الهی را در دل شب می­خوانند و سر به سجده می­نهند . به خدا و روز قیامت ایمان دارند و به کار پسندیده فرمان می­دهند و از کار ناپسند باز می­دارند ؛ و در کارهای نیک شتاب می­کنند ، و آنان از شایستگانند .**

**و هر کار نیکی انجام دهند هرگز درباره آن ناسپاسی نبینند ، و خداوند به حال تقواپیشگان داناست .**

**3. این کتاب ارزشمند به صورت گفت وگو و مناظره تنظیم یافته که بررسی تطبیقی باورهای عقلی و عقائدی و برهانی میان قرآن و تورات و انجیل در موضوعات توحید و نُبُوّت و معاد است . عنوان کامل کتابشناسی آن چنین است : عقائدنا ، بحوث مقارنة بصورة الحوار بین القرآن و التّوراة و الإنجیل تشمل التّحقیق المقارن عن التّوحید و النّبوة و المعاد علی ضوء ما جاء فی الدّیانات السّماویّة الثّلاث ، منشورات مؤسسة النّور للمطبوعات ، بیروت ، لبنان ، الطّبعة الثّانیة ، 1994م ـ 1414هـ ( الطّبعة الأولی ، 1972م ـ 1392 هـ ) ، 562 ص.**

**پایان مقاله**

**\* \* \* \* \* \* \* \* \* \* \* \* \* \* \* \* \* \* \* \* \* \* \* \* \* \* \* \* \* \* \* \***